



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۹/۱۲

دوکتور نوراحمد خالدی

رد چند برداشت نادرست از تاریخ کشور!

واقعیت آن است که در دو صد سال قبل از قیام میرویس خان و ایجاد سلسله هوتکی و متعاقب او احمدشاه درانی در این سرزمینها مغولها و صفویها و نادر افشار حکومت کردند. با مطالعه بعضی نوشته های مغرضانه در مورد تاریخ کشور آنچنان سو تفاهم خواهد شد که گویا پشتونها در خراسان و ایران به عوض یک دموکراسی پیشرفته جفرسونی که با احترام به موازین حقوق بشر توسط بابریها، صفویها و نادر افشار اداره میشد یک دولت عقب افتاده قبیله‌ای را برقرار کردند! واقعیت دولتمداری تحت تسلط صفویها، مغولها و نادر افشار چگونه بود؟

واقعیت آن بود که شاه اسماعیل صفوی به درباریان خود هدایت داد تا گوشت بدن حریف مرده خود شبیک خان ازبک را بخورند! نادر افشار بازماندگان صفوی را نابود کرد، زندیها تمام بازماندگان افشاری را از تیغ کشیدند و خود با تیغ قانجاریها به خاک و خون غلطیدند. به تأیید محقق و گوینده تلویزیونی ایرانی بهرام مشیری دولت صفوی به گورگین خان هدایت داده بود که از هیچ ظلمی بالای افغانهای سنی مذهب فرو گذاشت نکند. همچنان نادر افشار "خراسانی" آنقدر در خراسان و سایر بلاد ظلم کرد و آدم کشت، از جمله پسر خود را کشت و به قتل عام مردم دهلی پرداخت، که بالاخره اطرافینش سرش را از تنش جدا کردند و لاشه اش را در بیابان انداختند! حقیقت زندگی تحت تسلط صفویها، مغولها و نادر افشار آن بود که امروز هیچ شاعر، نویسنده، معمار، افسر نظامی، رهبر ضد استعماری، عالم دینی تاجک تبار، ترکتبار و هزاره را که در آن دوران در خراسان و ایران، کابلستان و غیره سرزمینهای افغانستان امروزی میزیسته و از خود اسمی بجا گذاشته باشد بخاطر نداریم.

برعکس در آن دورانها این جنبش روشانی، قیام میرویس خان هوتکی، شاه محمود هوتکی، شاه اشرف هوتکی و احمد شاه ابدالی بودند که اقوام خود را در مقابل استیلای بیگانه تجهیز کردند و سلطه بیگانه را نه تنها خاتمه دادند بلکه امپراطوری صفوی را نیز ساقط کردند. آیا موفقیت قیامهای رهبران پشتون تصادفی بود و یا نتیجه طبیعی و منطقی تکامل قبایل پشتون و نقش تعیین کننده آنها در این سرزمینها میباشد؟

عوامل موفقیت قیام رهبران پشتون چه بود؟ آیا سیستم روابط قبیله‌ای آنها در پیروزی شان سهم داشت؟ اولین مزیت میرویس خان و متعاقب او احمدشاه ابدالی تفوق عددی قوم پشتون به حیث بزرگترین قوم ساکن این سرزمینها از خراسان تا قندهار، کابل و پشاور بود. مزیت دوم او آگاهی رهبران پشتون از شرایط مسلط در امپراطوریهای پوسیده صفوی و مغولی و افشاری بود که توانستند از آن به نفع مردم خود استفاده کنند. مزیت سوم موجودیت یک سیستم دموکراسی قبیله‌ای با یک کود اجتماعی پشتونوالی بود که به حاکمیت رهبران پشتون مشروعیت اجتماعی بخشیده و مرجع قدرت نظامی را فراهم میکرد. مزیت چهارم آن بود که اقوام ساکن کشور به درجات مختلف از شرایط مسلط اجتماعی و سیاسی مسلط استیلای مغولی هند و صفویان فارس راضی نبوده یک زعامت بومی را ترجیح دادند. رهبران اقوام تاجک، ازبک و هزاره در بطن حوادث آنزمان فعالانه و یا خاموشانه رهبری پشتونها را با آگاهی عملی از اینکه بزرگترین قوم ساکن این سرزمینها اند پذیرفته در طول سه صد سال هیچ جنبش قابل ملاحظه جدایی طلبی در این کشور بظهور نرسید.

بعد از تاسیس دولت مستقل افغان بر خرابه های بابر، صفوی و افشاری در سرزمینی که امروز افغانستان نامیده میشود، پشتونها زبان دری را همچنان زبان رسمی خود ادامه دادند. سلاطین افغان مانند احمدشاه، تیمورشاه و شاه شجاع بزبان دری شعر میگفتند. شاه شجاع یک دیوان بزبان دری دارد. در مساجد دهات مناطق پشتون نشین افغانستان با چشم دید شخصی نویسنده تا سالهای ۱۹۶۰م کتابهای بوستان و گلستان سعدی به اطفال تدریس میشد و اشعار حافظ حفظ میگردد. پشتونها سیستمهای اداری، نظامی و مالیاتی دولتهای مغولی هند و دولت فارس را در کشور جدیدالتاسیس خود اقتباس کردند.

بعضیها به جنگهای خانوادگی حکام پشتون که در طول سالهای ۱۸۰۰ تا ۱۸۸۰م واقع شد اشاره نموده این جنگها را نشانه هایی از فقدان یک فرهنگ پیشرفته میدانند. بدون شک این جنگها به برادر کشیها و نابینا کردن بعضی از نزدیکان و حکام انجامید و برای بیش از هفتاد سال کشور را دستخوش هرج و مرج کرد. اما فراموش نکنیم که این حوادث با قیام شهزاده شاه محمود برضد برادر خود زمانشاه به تحریک مستقیم انگلیسها و حمایت لشکریان قاجاری فارس شروع شد، باجنگهای اول و دوم انگلیسها برضد افغانستان مصادف شد و با به قدرت رسیدن امیر عبدالرحمان خان خاتمه یافت.

تعدادی هم از کندی پروسه پیشرفت و ترقی اقتصادی و اجتماعی کشور در سه صد سال گذشته شاکی هستند. نباید فراموش کنیم افغانستان در گیر بازیهای استعماری دو ابر قدرت، انگلیس و روسیه تزاری شد، جنگهای اول و دوم با انگلیسها را سپری کرد و زمانیکه به استقلال رسید جنبش تجدد و ترقیخواهانه و معارف پرور امانی با یک جنبش ارتجاعی ضد ترقی و ضد معارف سکوی مواجه شده متوقف شد. افغانستان محاط به خشکه بر عکس همسایگان از منابع سرشار نفت و گاز برخوردار نیست. استفاده تجارتي از سایر منابع معدنی مانند آهن و مس از یکطرف به سرمایه‌گذاری هنگفت نیاز دارد و از جانب دیگر به بازارهای قابل ملاحظه داخلی و خارجی و زیربنای حمل و نقل مانند سرکها و خطوط راه آهن و دسترسی به بنادر بحری. ادامه جنگ در چهل سال گذشته تطبیق پروژه های انکشافی را متوقف کرده است. در عین زمان این دولت مجاهدین ربانی-مسعود بود که با تبنای با دولت پاکستان به انحلال

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

دولت افغانستان و اردوی افغانستان دست زده ملیشایی قومی آنها تمام سرمایه های منقول و قابل فروش دولت را با تمام سلاح ثقیله اردوی کشور در بازارهای پاکستان به فروش رساندند.

آیا بکار بردن اصطلاح فاشیسم برای تعریف شیوه حکومتداری رهبران افغان درست است؟ آیا سلاطین افغان به سرکوب فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی اقلیتهای قومی و مذهبی پرداختند تا بکار بردن اصطلاح فاشیسم را در مورد آنها توجیه کند؟ پاسخ این سوالها منفی است! حقیقت تاریخی آنست که دولتهای افغان به عناصر فرهنگی تمام اقوام و قشرهای اجتماعی در افغانستان احترام گذاشته و در حفاظت آنها کوشیدند. فرهنگ تاریخی خراسانی در کشور همچنان ادامه یافت، نوروز در سراسر کشور آزادانه تجلیل میگردد، شب برات، شب یلدا، شاهنامه خوانیها، عرس بیدل و همچنان احترام به ماه محرم، حفاظت از تکیه خانه ها و تجلیل از ویساک هندوها و سیکها ادامه داشت.

پشتون ها زبان فارسی دری را زبان رسمی اداری خویش انتخاب کردند. حالا اگر پشتونها تعصب قومی در مقابل تاجیکها میداشتند چگونه زبان دری را زبان رسمی خود قبول کردند؟ حتی قبلا پشتونهای غلجی، لودی و سوری در شکوفائی زبان دری در هند سهم بزرگ گرفتند که به پیروی از پشتونها متعاقباً مغولهای بابری زبان فارسی دری را همچنان زبان رسمی خود ادامه دادند. یک حاکم متعصب پشتون به سادگی میتوانست زبان پشتو را زبان تکلم و مکاتبات اداری دولت قرار دهد. اما حکام پشتون از اهمیت فرهنگی زبان دری درک بسیار روشن داشتند و میدانستند که زبان دری زبان تفاهم اقوام مختلف کشور است و این زبان منحصر و محدود به تاجیکها نمیباشد.

حکام پشتون دولتهای افغانستان آزادی رفت و آمد، آزادی انتخاب محل سکونت در تمام ولایات کشور، آزادی شغل و کار و پیشه، آزادی انتخاب همسر فاروقی، را برای تمام اقوام و قشرهای جامعه بدون تبعیض و امتیاز فراهم و تضمین کرده بودند. غنای فرهنگی امروز شهرهای کابل، جلال آباد، کندهار، مزار شریف، هرات و قندهار ناشی از همین سیاست آزادی رفت و آمد و انتخاب محل سکونت است. در مقایسه دیدیم که بعضی والیهای جمعیتی تاجیک در این اواخر از مسافرت پشتونها به شمال افغانستان جلوگیری کردند. همچنان در مناطق مرکزی کشور در مقابل عبور و مرور و اسکان کوچیها در مسیرهای حرکت تاریخی فصلی آنها به بهانه های مختلف مانع ایجاد کردند.

باید فراموش نکنیم اگر حکام پشتون دولتهای افغانستان به تعدادی خانواده های ناقلین پشتون از مناطق کم زمین جنوبی و مشرقی به قطن، ترکستان افغانی و فاریاب اجازه دادند، همچنان بدون تبعیض به هزاران خانواده مهاجر تاجیک، ازبک و ترکمن اجازه دادند که برای نجات شان از تجاوز روسهای تزاری و بالشویکها به بدخشان، قطن، ترکستان و فاریاب مسکن گزین شوند.

تصادفی نیست که در سرزمینهای ما پشتونها جاگزین دولتهای صفوی و نادر افشار شدند. آنها قبل از تأسیس دولت افغانستان، بیش از چهار صد سال در هندوستان حکومت کردند و حکومتهای آنها از غلجی ها تا لودیها و سوریها، از بنگال تا کابل و قندهار امتداد داشت. این پشتون ها بودند که به عنوان نظامیان غوری ها اسلام را در شمال هند گسترش دادند.

پشتون ها سیستم بهتر مالیاتی را در هند ایجاد کردند. سلطه آخرین سلطان پشتون شیرشاه سوری توسط همایون پسر بابر بادشاه مغولی هند به حمایت صفویهای فارس ساقط شد. دولت های پشتون هند از قندهار تا بنگال راه تجارتي را امتداد دادند و در فرسنگ های مناسب سرای های پیشوازی ایجاد کردند .

بنابر آن طوریکه تجربه هشتصد ساله در نیمقاره هند و سه صد ساله در افغانستان نشان میدهد رفتار حکام پشتون در مقابل سایر اقوام و قشرهای اجتماعی بر می آید خلاف آنچه ادعا میگردد پشتونها مردمان بسیار با فرهنگ، بردبار، غیر متعصب و باوقار هستند که به فرهنگ سائر اقوام کشور احترام میگذارند.

پایان